

Twiplomacy in the Trump Presidency: The Changes of the Diplomatic Process

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin*
<https://orcid.org/0000-0002-4005-1684>

Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Seyed Ali Monavari

Assistant Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Gholamreza Karimi

Associate Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Mehrdad Fallah

<https://orcid.org/0000-0002-7675-893X>

Ph.D Student Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Abstract

The world of diplomacy is witnessing the introduction of new tools for diplomatic engagement. In other words, the introduction of technology, especially mass media technologies such as Twitter, has introduced a new type of diplomatic process. Twitter has become a scene of attack, criticism, and commentary by activists and politicians on a variety of political and global issues that have interactive effects. This type of diplomacy was developed by the name of "Twiplomacy" that by the beginning of the year, 193 UN member states had used this type of diplomatic process. That is, the politicians of the countries had a Twitter account. To this end, this study examines the Twitter diplomacy of the Trump presidency. The key question is how and with what narrative does Trump present his diplomacy on Twitter? To answer the research questions and achieve the desired goals, digital content analysis and discourse analysis with two techniques of categories and evaluation were used. The statistical population of this study is the sum of the tweets of the US President (Trump) Twitter pages in 2017-2019.

Keywords: Twitter Diplomacy, Content Analysis, Twitter Social Network, Trump Presidency.

* Corresponding Author: arsalagh@yahoo.com

How to Cite: Ghorbani, A., Monavari, A., Karimi, G., Falah, M, (2021), "Investigating the Mix Effect of Political Marketing and Brand Equity of Political Parties on Voter Commitment and Loyalty in Iran; A Study of Eligible Citizens Voting in Tehran", *Political Strategic Studies*, 10(38), 44-73. doi: 10.22054/qpss.2021.51360.2502

تئودیلماسی؛ نقش توئیتر در پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ترامپ

ارسلان قربانی

شیخ‌نشین*

استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-4005-1684>

سیدعلی منوری

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

غلامرضا کریمی

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مهرداد فلاح

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-7675-893X>

چکیده

عرصه دیپلماسی در سطح جهان شاهد ورود ابزارهای تازه‌ای برای تعاملات دیپلماتیک است. عبارتی ورود تکنولوژی بویژه تکنولوژی‌های ارتباط جمعی همچون توئیتر، نوع تازه‌ای از روند دیپلماتیک را به نمایش گذاشته است. توئیتر به صحنه حمله، نقد و اظهارنظرهای فعالان و سیاستمداران به مسائل مختلف سیاسی و جهانی تبدیل شده که اثرات متقابلی را هم می‌گذارد. این نوع روش دیپلماسی با عنوان «تئودیلماسی» بوجود آمده که تا اوایل سال ۲۰۱۹ تعداد ۱۹۳ کشور رسمی عضو سازمان ملل متحد از این نوع در روند دیپلماتیک استفاده می‌کردند؛ در همین راستا این پژوهش به بررسی دیپلماسی توئیتری ریاست جمهوری ترامپ پرداخته است. پرسش اصلی این است که ترامپ چگونه و با چه روایتی دیپلماسی خود را در شبکه اجتماعی توئیتر عرضه می‌نماید؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قوانین و قراردادهای زبان دیپلماتیک نیازمند زبانی مودب، سازنده و مثبت، ملایم و مبهم است. زبان ترامپ در توئیتر مودبانه، سازنده و مثبت و مبهم نیست، اگرچه اغلب غیرهیجانی است. برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش و رسیدن به اهداف مورد نظر، از روش‌های دیجیتالی تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان با دو تکنیک مقوله‌ای و ارزیابی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش مجموع توئیتهای صفحات توئیتر رئیس جمهور آمریکا (ترامپ) در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ میلادی است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی توئیتری، روند دیپلماتیک، تحلیل محتوا، شبکه ۶- اجتماعی توئیتر، ریاست جمهوری ترامپ.

- این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشگاه خوارزمی است.

* نویسنده مسئول: arsalangh@yahoo.com

مقدمه

امروزه دیپلماسی عمومی بعنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم، نقش اساسی در شکل‌دهی و جهت‌دهی به سیاست خارجی دارد. این نوع از دیپلماسی عمومی به واسطه آنکه مردم را مخاطب خود قرار می‌دهد و شکل دادن به افکار عمومی را مد نظر دارد، اخیراً مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته است و دولت‌ها در تلاش هستند با تأثیر و نفوذ بر افکار عمومی نظر آنان را به سیاست‌ها و جهت‌گیری‌ها و اقدامات خود جلب کنند و از این طریق منافع ملی خود را تأمین کنند (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۸). توسعه فناوری نوین اطلاعات ابزار دیپلماسی کلاسیک را که بر مبنای قدرت سخت بود تغییر داده و گستره جدیدی بنام سیاست هوشمند که از عناصر فرهنگی، رسانه‌ای، افکار عمومی، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی تشکیل شده است را به روی رهبران، سیاستمداران و... باز کرده است.

در واقع جریان تحول و تنوع دیپلماسی از حیث ساختار، دستورکار و شیوه‌های اجرا، طی دهه‌های اخیر متأثر از فرایند جهانی شدن شتاب قابل توجهی به خود گرفته است. به اقتضای تحولات نوین جهان و وقوع دگرگونی در عرصه‌های مختلف، اشکال متنوع دیپلماسی برای پاسخگویی به نیازهای کنشگران پدید آمده است که از جمله می‌توان به «دیپلماسی عمومی»^۱، «دیپلماسی رسانه‌ای»^۲، «دیپلماسی مجازی»^۳ و «دیپلماسی مسیر دو»^۴ اشاره کرد. در این میان فهم چرایی تحول چشمگیر دیپلماسی که منجر به ظهور پدیده دیپلماسی نوین شده است و نیز شناخت دقیق عوامل مؤثر بر وقوع این تحول اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا می‌تواند مسیر حرکت سیاست خارجی یک کشور را در بستر نوین نظام جهانی مشخص سازد (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۰۶). در این میان شبکه اجتماعی توئیتر از جمله ابزارهای نوینی است که در چند سال اخیر تأثیرات شگرفی بویژه در حوزه سیاست خارجی کشورها گذاشته است.

در این راستا، طبق تحقیقات بدست آمده بیش از ۹۷ درصد سیاستمداران از ۱۹۳ کشور رسمی در سازمان ملل متحد، حساب رسمی در توئیتر دارند. تنها دولت‌های لائوس، موریتانی، نیکاراگوئه، کره شمالی، سوئیس و ترکمنستان حضور رسمی در این

1. Public Diplomacy
2. Media Diplomacy
3. Virtual Diplomacy
4. Track II Diplomacy

صفحه ندارند. حتی دفتر اطلاعات شورای دولتی دولت چین حضور در توئیتر، فیس‌بوک و یوتیوب را حفظ می‌کند و هفت سفارت چین و همچنین یک سفیر چین در توئیتر فعال هستند. طبق گزارش آژانس ارتباطات متحد بی.سی. دبیو گلوبال، پژوهش‌های توئیپلماسی در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد؛ ۹۵۱ شخصیت سیاسی (۳۷۲ نفر از مقامات سیاسی و ۵۷۹ نفر از سران دولت‌ها، حکومت‌ها و وزرای خارجه ۱۸۷ کشور) صفحه توئیتری دارند (Twiplomacy Study, 2018).

بدون تردید، دونالد ترامپ از زمان تصدی مقام ریاست جمهوری در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ با بیش از ۵۲ میلیون دنبال کننده، بیشترین تاثیر را در توئیتر وارد کرده است. توئیتهای وی به طور متوسط بیش از ۲۰ هزار بازتوئیت شده است. همچنین وی لحن گفتمان را در توئیتر تغییر داده است و مرتباً به مخالفان خود توهین می‌کند و رهبران خارجی را مورد اهانت قرار می‌دهد؛ وی رهبر کره شمالی (کیم جونگ اون) را «مرد موشک کوچک» خواند و رئیس جمهور سوریه را «حیوان قاتل» توصیف کرد و در توئیتر او را به حملات هوایی و جنگ تهدید نمود (Twiplomacy Study, 2018). در واقع، رسواسازی و افشاگری‌های رئیس جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، علیه چندین رهبر و کشور جهان در توئیتر، توجه رسانه‌ای فراوانی را به خود جلب کرد (Nakamura, 2017; Dejevsky, 2017; Huang, 2017). در حالی که طیف گسترده‌ای از مفسران نسبت به شیوه‌های دیپلماتیک رئیس جمهور جدید در رسانه‌های اجتماعی ابراز نگرانی کردند. دژوسکی با اظهار نظر در مورد «دیپلماسی توئیتری» ترامپ، ادعا می‌کند که شیوه‌های دیپلماتیک ترامپ «مخالفت تقریباً جهانی موسسات سیاسی و به ویژه دیپلماتیکی را به دنبال داشته که چنین تفسیرهای بی‌پروایی را اولاً، نابخردانه و ثانیاً، احمقانه قلمداد می‌کنند». در واقع، شیوه‌های دیپلماتیک او در توئیتر مورد انتقاد بازیگران سیاسی در داخل و خارج از کشور قرار گرفته است (Crowley & Nakamura, 2017). بویژه دولت چین در مقاله‌ای که توسط آژانس خبری دولتی شینهوا با عنوان «اعتیاد به دیپلماسی توئیتری غیرعقلانه است» منتشر کرده، به اظهارات منفی ترامپ در توئیتر واکنش نشان داده و در آن تاکید کرده که ارسال پیام در توئیتر راه مناسبی برای دیپلماسی نیست (Huang, 2017). بنا به گفته ترمونت، با شیوه‌های توئیتری ترامپ،

دیپلماسی «در حال ورود به دوره‌ای بی‌سابقه، غیرقابل پیش‌بینی و بسیار پرخطر است» (Tremonti, 2016).

در حالی که این اظهارات ارزشمند هستند، شیوه‌های دیپلماتیک ترامپ در رسانه‌های اجتماعی به طور اصولی مورد مطالعه قرار نگرفته است. از این رو بسیاری از ارزیابی‌ها مبتنی بر شایعات و شنیده‌های غیررسمی هستند؛ بنابراین اینکه تا چه اندازه ترامپ از رسانه‌های اجتماعی برای اهداف دیپلماتیک استفاده می‌کند، چگونه دیپلماسی را در رسانه‌های اجتماعی انجام می‌دهد و چه کسانی او را در رسانه‌های اجتماعی درگیر می‌کنند تا حد زیادی حدس و گمان است. در این مقاله به این پرسش‌ها و همچنین پرسش اساسی‌تر اینکه چگونه شیوه‌های توئیتری منجر به توسعه ارتباطات دیپلماتیک در رسانه‌های اجتماعی می‌شود یا خیر، پرداخته می‌شود. این پژوهش ابتدا در زمینه دیپلماسی که به ارتباطات می‌پردازد و به بیان دقیق‌تر بر رسانه‌های اجتماعی و استفاده ترامپ از توئیتر متمرکز هستند را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. سپس با تأکید بر روش‌های دیجیتال (DM) به همراه روش‌های تجزیه و تحلیل، مانند تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان، پژوهش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در پایان، نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

مبانی نظری

تبیین موجودیت شبکه‌های اجتماعی در دیپلماسی رسانه‌ای ترامپ در گام اول ملزم به بیان دقیق تئوری‌هایی است که بستر شکل‌گیری این مفاهیم و روند را بررسی نماید. دیپلماسی در نگاه کلان، مفهومی به دایره قدرت است. بر این اساس، الزام است اشاعه و مفهوم از قدرت که می‌تواند به طور دقیقی بیان‌گر مناسبات قدرت در دنیای امروز و فردا باشد ارائه شود. در این راستا ارائه مدلی برای دیپلماسی رسانه‌ای هدفی جز برتری قدرت ملی ندارد. از همین رو بررسی قدرت می‌تواند مفهوم دقیق‌تری از دیپلماسی مبتنی بر آن را ارائه کند.

الف - ساختار و مفهوم قدرت

قدرت اساسی‌ترین جریان موجود در هر جامعه‌ای است، چراکه هر اجتماعی بر پایه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نهادها تعریف شده است و آنچه ارزش شناخته شده و نهادینه می‌شود توسط روابط قدرت تعیین می‌شود. قدرت؛ ظرفیت ارتباطی است که بازیگر اجتماعی را قادر می‌سازد به صورت نامتوازن بر تصمیمات بازیگران اجتماعی دیگر نفوذ بگذارد، به صورتی که به نفع اهداف بازیگر توانمند، منافع و ارزش‌های او باشد. قدرت با ابزار اجبار (و یا امکان بکارگیری آن) و یا بر اساس ساخت معانی در گفت‌وگوهای خاص که بدان وسیله بازیگران اجتماعی، رویکردهای خود را معین می‌کنند اعمال می‌شود. همچنین روابط قدرت بر پایه استیلا قالب‌بندی می‌شود که قدرت در نهادهای جامعه نهفته شده است و ظرفیت ارتباطی قدرت اگرچه مشروط شده، اما از سوی توانمندی ساختاری سلطه تعیین نمی‌شود. همچنین نهادها و مؤسسات در روابط قدرت، با سیطره‌ای که آنها بر موضوعات تحت کنترل خود اعمال می‌کنند درگیر هستند (کاستلز، ۱۳۹۸: ۱۵).

این تعریف به اندازه کافی برای اشاره به بیشتر اشکال قدرت اجتماعی گسترده است ولی نیاز به برخی شاخص‌بندی‌ها هم دارد. مفهوم «بازیگر» اشاره به طیف وسیعی از موضوعات رفتاری و بازیگران فردی، اجتماعی، سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها دارد. با این حال همه سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها عملکردها و رفتارهای بازیگران انسانی را تشریح می‌کنند، حتی اگر آنها در فرآیندهایی مربوط به گذشته سازماندهی و نهادینه شده باشند. توانمندی ارتباطی به این معنی است که قدرت، یک مشخصه و ویژگی صرف نیست بلکه یک رابطه است و نمی‌تواند از ارتباط خاص بین موضوعات قدرت، کسانی که قدرتمند هستند و دیگرانی که تحت اعمال قدرت هستند در محیط‌های معین مجزا شود (کاستلز، ۱۳۹۸: ۱۸).

میشل فوکو در کتاب «انضباط و مجازات» با شرحی از شکنجه افراد زندانی، شیوه استقرار گفتمان انضباطی را در جامعه تشریح می‌کند، «کارخانه‌ها، مدارس، سربازخانه‌ها، بیمارستان‌ها همه مانند زندان عمل می‌کنند». این خاصیت در منابع قدرت آثار ماکس وبر نیز دیده می‌شود: «او قدرت را به عنوان «احتمال اینکه یک بازیگر در رابطه اجتماعی در موقعیتی قرار داشته باشد که اراده خود را با وجود مقاومت دیگران اعمال کند» تعریف کرده است». وی در نهایت قدرت را به سیاست و سیاست را به حکومت متصل می‌کند و

رابطه‌ای از انسان‌ها برای استیلا بر دیگر انسان‌ها و رابطه‌ای که با ابزار مشروعیت پشتیبانی می‌شود (عاملی، خرازی آذر و مظفری، ۱۳۹۶: ۱۵۷).

در نظام اندیشه فوکو، اصولاً قدرت مانند چیزی محاط که معمولاً زنجیره‌ای عمل می‌کند، تحلیل شده است. این قدرتهرگز در تملک کسی نیست. این شکل از قدرت شبکه‌ای عمل می‌کند و افراد نه تنها در میان تارهای این شبکه در گردش هستند، بلکه همواره در وضعی قرار دارند که هم به قدرت تن بدهند و هم آن را اعمال کنند. طبق این نگرش، قدرت بر افراد اعمال نمی‌شود، بلکه از طریق آنان جریان می‌یابد و این همان چهره چهارم و نرم‌افزارانه دولت و نهادهای سیاسی نیست. از آنجا که همه شرکت کنندگان در این شبکه در اعمال قدرت سهم دارند، الگوی فرمانروا و اطاعتکننده برای درک پدیده جدید قدرت، نارسا و ناکافی به نظر می‌رسد (عاملی، خرازی آذر و مظفری، ۱۳۹۶: ۱۵۸). در اینجاست که مسئله «استراتژی‌های قدرت» در اندیشه فوکو مطرح می‌شود؛ استراتژی‌ها، شبکه‌ها، سازوکارها و فنونی که هر تصمیمی به کمک آنها پذیرفته می‌شود و هیچ تصمیمی از طریق آنها جز به همان صورت مورد نظر گرفته نمی‌شود.

ب- جامعه شبکه‌ای کاستلز

شبکه، متشکل از مجموعه‌ای از گره‌های به هم پیوسته است. گره‌ها ممکن است وابستگی‌های متفاوتی به شبکه داشته باشند و لذا گره‌های مهم «مراکز» شبکه‌ها نامیده می‌شوند. با این وجود، هر یک از اجزای یک شبکه (از جمله مراکز) یک گره هستند و کارکرد و معنای آنها بستگی به برنامه‌های شبکه و تعاملات آنها با سایر گره‌ها در شبکه دارد. گره‌ها اهمیت خود را برای شبکه‌ها با جذب اطلاعات بیشتر و پردازش آن به صورت مؤثرتری افزایش می‌دهند. اهمیت نسبی یک گره از ویژگی‌های خاص آن نشأت نمی‌گیرد، بلکه از توانایی آن برای کمک به کارآمدی شبکه در رسیدن به اهداف شبکه که به وسیله ارزش‌ها و منافع حاضر در شبکه‌ها تعریف شده‌اند ناشی می‌شود (کاستلز، ۱۳۹۸: ۲۷).

در زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، ساختارهای ارتباطی هستند و این شبکه‌های ارتباطی الگوهای تماس هستند که به وسیله جریان پیام‌ها در میان افراد در ارتباط، در زمان و مکان

مشخص ایجاد شده‌اند. بنابراین شبکه‌ها جریان‌ها را پردازش می‌کنند و این جریان‌ها سیر اطلاعات در گردش بین گره‌ها هستند. یک شبکه توسط برنامه‌ای که اهداف و قوانین رفتار را تعیین می‌کند تعریف می‌شود، این برنامه از کدهایی که شامل ارزیابی عملکردها و معیارهایی برای رسیدن به موفقیت و یا شکست است تشکیل می‌شود. در شبکه‌های اجتماعی و سازمانی؛ بازیگران اجتماعی، ارزش‌ها و منافع آنها را پرورش می‌دهند و در تعامل با سایر بازیگران جامعه، منشأ اصلی ایجاد و برنامه‌ریزی شبکه‌ها هستند. با این وجود پس از نصب و برنامه‌ریزی، شبکه‌ها دستورالعمل‌های معین شده در محیط عملیاتی خود را دنبال می‌کنند و قادر به پیکربندی مجدد خود در درون پارامترهایی از اهداف و فرآیندهای مشخص شده خود هستند. برای جایگزینی پیامدها و نتایج در یک شبکه، یک برنامه جدید (مجموعه‌ای از کدهای هدف‌گرا و سازگار) بایستی از خارج از آن در شبکه نسب شود. از این‌رو شبکه‌ها (و مجموعه منافع و ارزش‌هایی که آنها دربردارند) با یکدیگر همکاری و رقابت می‌کنند. همکاری، مبتنی بر توانایی برقراری ارتباط بین شبکه‌ها است و این توانایی وابسته به وجود کدهای انتقالی و عملکرد بینابخشی (پروتکل ارتباطی) و دسترسی به نقاط اتصال (سوئیچ‌ها) هست. همچنین رقابت وابسته به توانایی نشان دادن شبکه‌های دیگر با بهره‌وری برتر در عملکرد و یا در ظرفیت همکاری هست (کاستلز، ۱۳۹۸: ۲۸). بنابراین شبکه‌ها ساختارهای پیچیده ارتباطی شکل گرفته در حول مجموعه‌ای از اهداف هستند که به‌طور همزمان وحدت اهداف و انعطاف‌پذیری امور اجرایی را با سازگاری با محیط عملیاتی خود تضمین می‌کند و ساختارهای آنها بر طبق ظرفیت‌های این شبکه‌ها برای پیکربندی مجدد خود در یک جستجوی بی‌پایان برای ترتیبات بهتر شبکه‌سازی تکامل یافته است.

دیپلماسی بعنوان وسیله ارتباطی

به طور گسترده، دیپلماسی را می‌توان به عنوان ابزاری برای سیاست یا یک وسیله ارتباطی تصور کرد (Sharp, 2001: 123). به دیپلماسی بعنوان یک وسیله ارتباطی نگاه می‌شود. از این منظر، زبان بعنوان رسانه غالب دیپلماسی در نظر گرفته و غالباً سخنان دیپلمات‌ها بعنوان اقدامات آنها در نظر گرفته می‌شوند (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۹).

همچنین با پیروی از وانگ^۱ «دیپلمات‌ها را نه تنها بعنوان کسانی که به طور رسمی وظایف دیپلماتیک را بر عهده دارند (به عنوان مثال وزیر خارجه، سفرا) بلکه رهبران سیاسی که بعنوان نمایندگان و مذاکره‌کنندگان در عرصه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شوند»، در نظر می‌گیریم (Wong, 2016: 22).

در حالی که عدم وجود یک مرور کلی از ویژگی‌های اصلی زبان دیپلماتیک در پژوهش‌ها حس می‌شود، محققان بر ویژگی‌های زبان دیپلماتیک زیر تاکید کرده‌اند:

۱. زبان دیپلماتیک باید مودبانه باشد و با احترام و توجه به دیگران مشخص شود (Jönsson & Hall, 2005: 113). در واقع هیچ جایی برای توهین، جملات غیرمتمدنانه، افشاگری و رسواسازی وجود ندارد.

۲. زبان دیپلماتیک باید سازنده و مثبت باشد. دیپلمات‌ها در ارتباطات خود باید مراقب باشند که نسبت به سایر بازیگران روابط بین‌الملل برتر، بی‌تفاوت یا سلطه‌جو به نظر نرسند.
۳. ارتباط دیپلماتیک باید متعادل و میانه‌رو باشد. این ارتباط به خصوص در شرایط پرخطر نباید هیجانی باشد.

۴. زبان دیپلماتیک باید مبهم باشد. این زبان غالباً غیرمستقیم است و از عبارات احتیاط‌آمیز استفاده می‌کند که باعث می‌شود مبهم شده و در معرض تفسیر قرار گیرد. چنین ابهاماتی در دیپلماسی چندین هدف دارند، بعنوان مثال حفظ انعطاف‌پذیری در مذاکرات، قابل انکار کردن ادعاها و امکان صحبت با مخاطبان متعدد (وحیدی، ۱۳۹۷: ۱۴).

این ویژگی‌ها بخشی از دستورالعمل دیپلماتیکی محسوب می‌شوند که تعامل بین دیپلمات‌ها را هدایت می‌کند. با توجه به اهمیت و ظرافت تعامل بین دیپلمات‌ها، به زبان دیپلماتیک توجه زیادی می‌شود. در واقع ارتباطات دیپلماتیک باید «آگاهانه، استادانه، به دقت و محتاطانه ترسیم شوند» (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۲).

در حالی که روش‌های ارتباط دیپلمات‌ها و گفتگو با سایر بازیگران، بسیار مهم در نظر گرفته می‌شوند، محققان و کارشناسان تاکید می‌کنند که آنچه در ارتباطات دیپلماتیک گفته می‌شود به اندازه آنچه که ناگفته می‌ماند، مهم است؛ به عبارت دیگر از قلم انداختن اطلاعات در یک گفتگوی دیپلماتیک، به خودی خود اقدامی است که

1. Wong

پیام‌هایی را به سایر بازیگران ارسال می‌کند، درست مانند اطلاعاتی که انتقال داده می‌شود. همین مساله را می‌توان در مورد عدم پاسخ و تعامل در یک گفتگو بیان کرد؛ عبارت دیگر اگر یک طرف در رابطه دیپلماتیک، در گفتگویی که توسط طرف دیگر آغاز شده مشارکت نمی‌کند، این عدم پاسخ عمدی، استراتژیک و به خودی خود یک اقدام تفسیر می‌شود. از این‌رو در ارتباط دیپلماتیک رفتار و عدم رفتار، پیام‌هایی را منتقل می‌کنند.

ارتباط ترامپ در رسانه‌های اجتماعی

در ابتدای دهه ۲۰۱۰، ستاین اعلام کرد: همه دولت‌ها با نیاز فوری بروزرسانی ابزارهای دیپلماتیک خود مواجه هستند که تا حدی از ظهور فناوری‌های جدید و رسانه‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد (Stein, 2011: 114). چند سال بعد توئیتر، خود را به عنوان «کانال اصلی دیپلماسی دیجیتالی رهبران و دولت‌های جهان» معرفی کرد. بنا بر گزارش‌ها، تقریباً ۱۸۰ نفر از رهبران و دولت‌های جهان از آن برای برقراری ارتباط با همکاران و مردم استفاده می‌کنند (Lüfkens, 2017).

تحقیقات انجام‌شده در مورد استفاده از رسانه‌های اجتماعی در دیپلماسی بیشتر بر اینکه چگونه از رسانه‌های اجتماعی برای دیپلماسی عمومی (یعنی، روابط بین ملت‌ها و دولت‌های خارجی) استفاده می‌شود و بر شیوه‌های نهادهای دیپلماتیک مانند وزارت‌های امور خارجه و سفارتخانه‌ها متمرکز شده است (Bjola & Holmes, 2015: 252 Cassidy & Manor, 2016: 1-15). در اینجا رسانه‌های اجتماعی اغلب به عنوان فراهم‌کنندگان توسعه یک مدل بازتر و تعاملی‌تر از دیپلماسی دیده می‌شوند. به طور کلی اغلب گفته می‌شود که رسانه اجتماعی نیازمند آن است که دیپلمات‌ها به صورت شخصی‌تر و تعاملی‌تر با مخاطبین خود رابطه برقرار کنند. با این حال بحث‌هایی در مورد میزان تاثیر رسانه‌های اجتماعی بر ارتباط دیپلماتیک و میزان تاثیری که رسانه‌های اجتماعی بر تحول شیوه‌های دیپلماتیک دارند، بوجود آمده است (Bjola & Holmes, 2015 and Hocking & Mellisen, 2015). در واقع تحقیقات نشان می‌دهند که نهادهای دیپلماتیک به ندرت انتظارات از دیپلماسی رسانه‌های اجتماعی را برآورده می‌کنند؛ عبارت دیگر آنها تمایل ندارند بر تعامل، شبکه‌سازی و باز بودن تمرکز کنند.

به طور کلی تحقیقات انجام شده در زمینه دیپلماسی رسانه‌های اجتماعی دارای دو محدودیت مهم هستند: اولاً بیش از حد بر دیپلماسی عمومی تمرکز دارند و تقریباً به طور کامل دیپلماسی رسانه اجتماعی دولت به دولت (G-2-G) را نادیده می‌گیرند. یک استثنا، مقاله کسیدی و مینور (۲۰۱۶) است که باورهای غلط سیاسی رسانه‌های اجتماعی را بی‌اعتبار می‌کند، اما حتی در این تحقیق هم G-2-G به ندرت مورد بحث قرار می‌گیرد. ثانیاً در حالی که سوالات مربوط به برجسته‌سازی، دسترسی و تعامل به طور کلی بررسی شده‌اند، مسئله سبک بعنوان یک منبع احتمالی تاثیر بر ارتباط دیپلماتیک نادیده گرفته شده است.

در نتیجه، پژوهش‌های موجود نگاهی اجمالی به استراتژی‌های موثری که نهادهای دیپلماتیک می‌توانند در اجرای دیپلماسی عمومی در رسانه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار دهند را ارائه می‌کنند، اما به ندرت چیزی در مورد نحوه تعامل رهبران جهان با هم‌تایان‌شان از طریق رسانه‌های اجتماعی وجود دارد. بنا به گفته لوفکنز، رهبران جهان به طور گسترده از رسانه‌های اجتماعی برای اهداف مختلف از جمله تقویت روابط با دیگر رهبران و مردم جهان استفاده می‌کنند. بر اساس بسیاری از شاخص‌ها محبوب‌ترین شبکه اجتماعی که رهبران جهان از آن استفاده می‌کنند، توئیتر است. داده‌های مربوط به سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بیشترین دنبال‌کننده را در توئیتر دارد در حالی که پاپ فرانسیس با اختلاف اندکی پشت سر او قرار دارد. ترامپ همچنین از نظر تعداد تعامل با دنبال‌کنندگان (فالورها) بعنوان تاثیرگذارترین رهبر جهان و از نظر بازنشر (ریتوییت) دومین رهبر تاثیرگذار جهان در توئیتر در نظر گرفته می‌شود. در ماه می سال ۲۰۱۷، دنبال‌کنندگان ترامپ در توئیتر ۱۳۷ تن از رهبران جهان را شامل می‌شد (Lüfkens, 2017).

ارتباط رسانه اجتماعی ترامپ

مجموعه رو به رشدی از تحقیقات به بررسی سبک ارتباطی ترامپ در رسانه‌های اجتماعی می‌پردازند. تحقیقات موجود که به طور عمده فعالیت‌های او در رسانه‌های اجتماعی در

انتخابات مقدماتی و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ را بررسی می‌کنند، نشان می‌دهند که فعالیت‌های ترامپ در رسانه‌های اجتماعی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. ارتباط ترامپ در رسانه‌های اجتماعی، گرایش به سادگی دارد. تجزیه و تحلیل بیش از ۲۰۰۰ توییت او در بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که زبان او در توییت با استفاده مکرر از کلمات تک‌هجایی مشخص می‌شود (Crockett, 2016; Ott, 2017).

۲. ارتباط ترامپ گرایش به شخصی و خودبزرگ‌بینانه بودن دارد. مشخص شده است که ترامپ اغلب از اول شخص و زبان غیررسمی استفاده می‌کند، معمولاً ضمائر شخصی مانند من، به من، مال من، خودم را بکار می‌برد و اغلب از رسانه‌های اجتماعی برای خودستایی استفاده می‌کند (Ahmadian, Azarshahi, & Paulhus, 2017: 107).

۳. ارتباط ترامپ در رسانه‌های اجتماعی، در طول انتخابات مقدماتی ریاست جمهوری و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری به سمت منفی‌نگری گرایش داشت. توییت‌های او اغلب غیرمؤدبانه و از نظر سیاسی نادرست بودند (Crockett, 2016; Enli, 2017) و از هر چهار توییت ارسالی در یکی از آن‌ها به شخصی یا چیزی حمله می‌کرد و از هر ده توییت او یکی از آن‌ها حاوی «الفاظ بی‌ادبانه» بود (LEE & Lim, 2017: 849).

۴. ارتباط ترامپ در رسانه‌های اجتماعی، در طی مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ تمایل به احساسی و هیجانی بودن داشت. او اغلب از حروف بزرگ و علامت تعجب استفاده می‌کرد. شیوه‌هایی که «احساسات منفی توییت‌های او را تقویت کرده و تاثیر عاطفی آن‌ها را افزایش می‌داد» (Ott, 2017: 64). همچنین توییت‌های ترامپ اغلب بصورت سنسجیده و فاقد «دوران‌دیشی، تفکر یا در نظر گرفتن عواقب» می‌باشند.

در کل ترامپ از شیوه‌هایی که پیش از این در مبارزات انتخاباتی از طریق رسانه‌های اجتماعی موثر شناخته شده بود، منحرف شده و از سبک ارتباطی متفاوتی استفاده کرد که می‌توان آن را «آماتور و در عین حال معتبر» توصیف می‌کند.

کمی بعد از اینکه ترامپ به ریاست جمهوری رسید، دژوسکی در گاردین نوشت: «بسیاری بر این باور بودند که پس از این که دونالد ترامپ رئیس جمهور شود، حالت ارتباطی‌اش تغییر خواهد کرد. اول فکر کرده و پس از آن حرف خواهد زد و اگر نمی‌توانست خود را وادار به انجام این کار کند، دستیاران عاقل‌تر (یا داماد او) اطمینان حاصل خواهند کرد که هر وسیله‌ای که برای نطق‌های بی‌وقفه خود بکار می‌برد در محل

امنی نگهداری خواهد شد». با این حال ترامپ پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری، به سبک ارتباطی خودش در رسانه‌های اجتماعی ادامه داد (Dejevsky, 2016; Apps, 2017). این موضوع نگرانی‌هایی را بوجود آورده است، چرا که در حال حاضر توئیتهای ترامپ، ارتباطات ریاست جمهوری هستند که می‌توانند بعنوان اقدامات دیپلماتیک در ایالات متحده در نظر گرفته شوند.

هنگامی که در مورد ارتباط دیپلماتیک دونالد ترامپ در رسانه‌های اجتماعی بحث می‌شود، عوامل اختیاردهنده و بازدارنده متعددی وجود دارند که ممکن است بر میزان پیروی از هنجارهای دیپلماتیک تاثیر بگذارند. در طرف اختیاردهنده، دیپلمات‌های آمریکایی اغلب در تبادلات دیپلماتیک صریح و تند هستند. بعنوان مثال، دیپلمات‌های آمریکایی سبک ارتباطی غیرمؤدبانانه‌ای را در مبادلات دیپلماتیک با هم‌پیمانان و دشمنان آمریکا در دوره قبل از جنگ عراق از خود نشان دادند. همچنین گفتمان توئیتر که ساده، سنسجیده و بی‌ادبانه است به نظر می‌رسد کاملاً مخالف زبانی باشد که باید در تعاملات دیپلماتیک مورد استفاده قرار گیرد (Ott, 2016). در طرف بازدارنده، نیاز به همکاری کشورهای دیگر باعث ایجاد فشار برای پیروی از قوانین رفتار دیپلماتیک مورد انتظار جهانی در روابط بین‌المللی می‌شود. در مورد جنگ عراق، زمانی که آمریکا متوجه شد که به حمایت بین‌المللی برای اقداماتش نیاز دارد، مسیر خود را تغییر داد و به قوانین رفتار دیپلماتیک بازگشت (Wiseman, 2005).

اگر ارتباط دیپلماتیک ترامپ در رسانه‌های اجتماعی به طور مداوم در تضاد با قواعد سنتی زبان دیپلماتیک باشد، دو احتمال وجود دارد: اولاً، سبک دیپلماسی رسانه اجتماعی او ممکن است شیوه‌های دیپلماتیک سنتی را تغییر دهد و به طور بالقوه باعث ایجاد درگیری در روابط بین‌المللی شود. ثانیاً ممکن است منجر به ایجاد کنوانسیون‌های جدیدی در دیپلماسی (دیجیتال) شود. این می‌تواند شکلی از «تغییر تدریجی و انطباق در چارچوب و اصول موجود باشد» یا می‌تواند نشان‌دهنده «یک شکست بنیادی با الگوهای پذیرفته‌شده رفتار، هنجارها و قواعد باشد بطوریکه دیپلماسی به طور اساسی شکل متفاوتی به خود بگیرد» (Hocking and Mellisen, 2015: 21).

روش‌شناسی

روش‌های دیجیتال (DM) با تکنیک‌های سنتی تجزیه و تحلیل مانند تجزیه و تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان ترکیب می‌شود که بطور متمرکز DM و تکنیک‌های سنتی را برای تجزیه و تحلیل متون رسانه‌های اجتماعی ترکیب می‌کند. لوییس، زامیت و هرمیدا در مقاله خود با عنوان «تجزیه و تحلیل محتوا در عصر کلان داده»، محققان را به انجام تحلیل محتوا و یا تحلیل گفتمان پیام‌های توییتری برای استفاده از یک رویکرد التقاطی به منظور ترکیب «روش‌های محاسباتی و دستی در طول فرآیند تحلیل محتوا» ترغیب می‌کنند (Lewis, Zamith, & Hermida, 2013).

از DM برای مدیریت و همچنین ساختار اجتماعی و معنایی مجموعه داده‌های خودمان (۱۱۹,۲۲۹ توییت) استفاده می‌شود یعنی برای: الف- نمونه‌گیری از پایگاه داده، ب- استخراج کاربران هدف توییت (یعنی کاربران توییتری که توسط ترامپ به آنها اشاره شده است) و پ- رهگیری تعامل بین کاربران (به عنوان مثال اشاره متقابل). متعاقباً یک تحلیل محتوا و گفتمان سنتی از توییت‌های ترامپ انجام می‌شود.

جمع‌آوری داده‌ها

توییت‌های ارسال شده توسط حساب کاربری رسمی دونالد ترامپ در توییت^۱ را با استفاده از یک نرم‌افزار سفارشی (یک اسکریپت پایتون برای بررسی)^۲ گردآوری شد. به طور خاص، متدی به نام GET statuses/user_timeline اجرا شد. این متد «حدود ۳,۲۰۰ توییت آخر یک کاربر را برمی‌گرداند» (مستندات توسعه‌دهنده توییت). توییت‌های ارسال شده ترامپ در اولین ماه ریاست جمهوری او بررسی شد، این اسکریپت در ۲۱ فوریه ۲۰۱۷ اجرا شد. به این روش، ۳,۲۴۷ توییت ارسال شده توسط ترامپ از ۱۷ مارس ۲۰۱۶ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۷ بازیابی شد که از بین این پیام‌ها، ۱۹۲ پیام در بازه زمانی مدنظر (۲۰ ژانویه ۲۰۱۷ تا ۲۰ فوریه ۲۰۱۷) قرار داشتند.

پس از استخراج این مجموعه داده‌ها، اطلاعات مورد نظر به منظور شناسایی نهادهای دیپلماتیک، رهبران جهان و کشورهای خارجی که ترامپ به آن‌ها اشاره کرده، جستجو

1. @realDonaldTrump
2. Twitter REST API

شد. این جستجو به دو صورت با استفاده از تابع (@) و بدون استفاده از آن انجام شد. در این جستجو، ترامپ در ۳۴ توییت به نهادهای دیپلماتیک اشاره کرده است. به این روش ۲۵ نهاد دیپلماتیکی که ترامپ به آنها اشاره کرده شناسایی شدند. برای هر کشوری که ترامپ به آن اشاره کرده، سه نهاد دیپلماتیک (حساب‌های کاربری رسمی کشور، روسای دولت‌ها، وزرای خارجه و وزارت‌خانه آنها) شناسایی شد که ممکن است در موقعیتی باشند که به اظهارات وی پاسخ دهند و بر نهادهای دیپلماتیکی تمرکز شد که حساب کاربری توئیتر دارند. هنگامی که فهرست حساب‌های کاربری رسمی ۴۱ نهاد آماده شد، مجدداً اسکریپت پایتون اجرا گردید تا تمام توییت‌های ارسال شده توسط هر یک از حساب‌های فوق جمع‌آوری شود. اسکریپت اجرا شده ۱۱۵,۹۸۲ توییت را بازیابی کرد که ۵۷ مورد از آنها حاوی پیغام‌هایی بودند که در آنها کاربران در طول اولین ماه ریاست جمهوری خود در مکالمات واقعی و خیالی با ترامپ شرکت داشتند؛ بنابراین، این تحلیل به یک پایگاه داده متشکل از ۹۱ توییت محدود شد (یعنی، ۳۴ توییتی که توسط ترامپ و ۵۷ توییتی که توسط دیگر نهادهای دیپلماتیک ارسال شده بود). تجزیه و تحلیل این نوشتار بر روی مجموعه کوچکی از داده‌ها متمرکز است که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌سازد. با این حال با توجه به اینکه پروژه تحقیقاتی ما کیفی و اکتشافی است، تعمیم‌پذیری آماری نتایج در بین اهداف اولیه تحقیق ما قرار ندارد. در عوض، هدف ما کشف فرآیندهای فرهنگی خاصی است که در یک محیط دیجیتال خاص ظهور می‌یابند (Caliandro, 2018)، یعنی جریان‌ها و تعاملات ارتباطی ایجاد شده توسط ترامپ و دیگر فعالان سیاسی در توئیتر. علاوه بر این، این پژوهش به دنبال دستیابی به مجموعه‌ای از دیدگاه‌های کیفی عمیق و مفید برای ایجاد یک پایه مستحکم برای پشتیبانی از تحقیقات بیشتر در مورد استراتژی‌های دیپلماتیک ترامپ در توئیتر و نیز ارتباط دیپلماتیک دیجیتال در عصر ترامپ می‌باشد.

مجموعه داده مذکور برای دو نوع تحلیل متنی مورد استفاده قرار داده شد: ۱- تحلیل محتوا و ۲- تحلیل گفتمان. به علاوه، از Gephi، یک نرم‌افزار متن باز برای بررسی شبکه اجتماعی استفاده شد تا ساختار تعاملات ارتباطی بین ترامپ و دیگر نهادهای دیپلماتیک (یعنی، چه کسی درباره چه کسی و با چه تناوبی توییت ارسال می‌کند) آشکار و در نتیجه برای توصیف کردن، ساده‌تر گردید.

تحلیل داده‌ها

تحلیل محتوا بر روی مجموعه داده‌هایی انجام شد که تنها از توییت‌های دیپلماتیک ارسال شده توسط @realDonaldTrump تشکیل شده است (۳۴ توییت). تحلیل محتوای با استفاده از مجموعه‌ای از دسته‌بندی‌های کدگذاری قبلی اجرا گردید که از مقالات موجود در مورد زبان دیپلماتیک الهام گرفت شده‌اند. دسته‌بندی‌های که مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: واجد شرایط بودن، مصون‌سازی، مودب بودن، مثبت بودن و غیرهیجانی.

تجزیه و تحلیل بیشتر روی نیت‌های شخص برقرارکننده ارتباط (@realDonaldTrump) متمرکز است بجای اینکه روی موضوعات متناوب در واحدهای ارتباطی (توییت‌ها) متمرکز باشد. این تحلیل به ما کمک می‌کند درک کنیم که آیا ترامپ قوانین زبان دیپلماتیک سنتی را می‌پذیرد یا آن‌ها را بر هم می‌زند و همچنین این پذیرش یا بر هم زدن در چه گستره‌ای انجام می‌شود.

همچنین توییت‌های دیپلماتیک او با استفاده از تکنیک واژگانی شدن تحلیل گفتمان بررسی شد. بررسی گزینه‌های واژگانی ترامپ به ما این امکان را داد تا اعتقادات و ارزش‌های ایدئولوژیک بالقوه او را شناسایی کنیم که پیام‌های دیپلماتیک او را پشتیبانی و «مفروضات و تعصبات ذاتی» آن پیام‌ها را آشکار می‌کنند. در انجام این کار از دستورالعمل‌های زبان دیپلماتیک و دیالوگی که در ادبیات مرتبط شناسایی شده، پیروی شد. در برخی موارد، ساختار جمله و عبارت نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ چرا که نمایش عمل، الگوهای وابستگی و قضاوت‌های ارزش‌گوینده را منعکس می‌کنند. عمدتاً از نرم‌افزار Gephi برای نگاشت ساختار تعاملات بین ترامپ و دیگر نهادهای دیپلماتیک استفاده گردید. به منظور انجام این کار، برخی از تکنیک‌های تحلیل شبکه پایه بکار برده شد. این کار بر اساس دو تکنیک پیوند ورودی و پیوند خروجی انجام شد، یعنی اشارات دریافت شده و ارسال شده توسط هر کاربر تحلیل گردید. تمرکز هم بر روی اشارات مستقیم (مثلاً @realDonaldTrump، @AbeShinzo) و هم بر روی اشارات غیرمستقیم (مثلاً Abe، Trump) در میان کاربران بود.

یافته‌ها

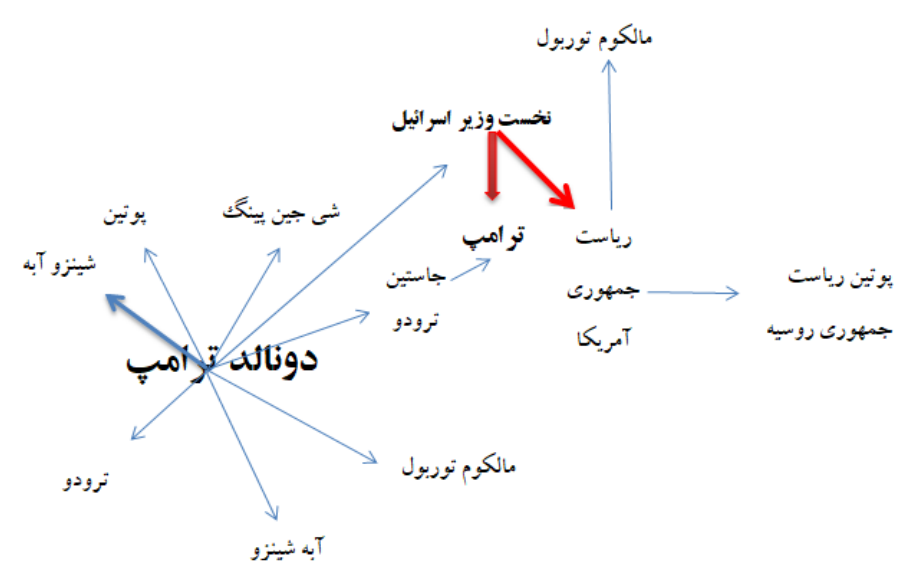
دونالد ترامپ در ماه اول ریاست جمهوری خود، ۱۹۲ توییت ارسال کرد که در آن به شش رهبر سیاسی خارجی و ۱۹ کشور خارجی اشاره کرد. در مقابل، نخست وزیر انگلستان، ترزا می^۱، در ماه اول نخست وزیری خود ۱۶ توییت ارسال کرده و به یک رهبر خارجی و یک کشور خارجی اشاره کرد و نخست وزیر استرالیا، مالکولم ترنبول^۲، ۴۴ توییت ارسال کرد که او هم در آن‌ها به یک رهبر خارجی و یک کشور خارجی اشاره کرد. این مقایسه نشان می‌دهد که مشارکت ترامپ در توئیتر و مقداری که او از توئیتر برای برقراری ارتباط با رهبران و کشورهای خارجی و در مورد آن‌ها استفاده می‌کند، چقدر غیر عادی است.

گفتگو با رهبران

شاید تعجب‌آور نباشد که ترامپ به شش تن از رهبران سیاسی خارجی در توییت‌های خود اشاره کرده است، چرا که در ماه اول ریاست جمهوری او چهار نفر از آن‌ها با وی دیدار کردند. او در مورد سه نفر از آن‌ها توییت ارسال کرد، نخست وزیر کانادا، جاستین ترودو^۳، نخست وزیر ژاپن، شینزو آبه^۴ و نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا هو^۵، اما هیچ پیامی در مورد نخستین دیدار دولتی یعنی دیدار با ترزا می ارسال نکرد. در حالی که در حساب کاربری توئیتر رسمی ریاست جمهوری آمریکا، [@potus](#) به ترزا می اشاره شد، اما ترامپ در حساب کاربری توئیتر شخصی خود به ترزا می اشاره‌ای نکرد. همینطور در حالی که رسانه‌های بریتانیا توجه زیادی به دیدار می از ایالات متحده داشتند، این مسئله موضوع اصلی رسانه‌های آمریکایی نبود (Baker-Jordan, 2017). عدم ارسال توییت توسط ترامپ در مورد بازدید می، این پرسش را مطرح می‌کند که واقعا روابط «ویژه» بین ایالات متحده و بریتانیا تا حد ویژه است، حداقل تا آنجا که به ترامپ مربوط می‌شود.

-
1. Theresa May
 2. Malcolm Turnbull
 3. Justin Trudeau
 4. Shinzo Abe
 5. Benjamin Netanyahu

شکل ۱- تحلیل شبکه توییت‌های ارسال شده توسط ترامپ و رهبران جهانی که او به آن‌ها اشاره کرده است.



ترامپ تنها یک پیام در مورد نتانیاهو در طول سفرش ارسال کرد. از سوی دیگر نتانیاهو در ۲۳ پیام خود در اولین ماه ریاست جمهوری ترامپ و به طور گسترده در طول سفرش به آمریکا به ترامپ اشاره کرد. از این رو این گفتگوی دیپلماتیک در توییت، کاملاً یک طرفه بود. با توجه به اینکه روابط آمریکا و اسرائیل در دوران اوباما رو به وخامت گذاشته بود و اینکه اوباما آشکارا از برخی اقدامات نتانیاهو انتقاد می‌کرد؛ توییت‌های نتانیاهو ممکن است برای نشان دادن روابط قوی‌تر و بهتر با رئیس جمهور جدید ایالات متحده ارسال شده باشند. از سوی دیگر توییت ترامپ ممکن است نشان‌دهنده بی‌میلی ترامپ برای قرارگرفتن در کنار اسرائیل در آن زمان باشد (Freedman, 2017: 241).

ترامپ در حالی که ترزا می و نتانیاهو را در ارتباط دیپلماتیک توییتی خود نادیده گرفت، به طور گسترده در مورد نخست وزیر ژاپن، شینزو آبه، پیام فرستاد و هفت توییت در مورد او در طی دیدار سه روزه‌اش ارسال کرد. با توجه به اینکه ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود در مورد تجارت و مسائل دفاعی به ژاپن حمله کرده بود؛ انفجار توییت‌های مثبت در مورد ملاقات با آبه یک تغییر در نگرش

او نسبت به ژاپن را نشان می‌داد. ظاهراً آبه به محض انتخاب ترامپ در نوامبر ۲۰۱۶، برای ایجاد «رابطه اعتماد‌آمیز» با رئیس‌جمهور جدید آمریکا و منافع بیشتر برای ژاپن تلاش کرده و به روش «تهاجم افسونگری» روی آورده بود (Nakamura & Fifield, 2017). توئیتهای ترامپ نشان می‌دهد که آبه موفق به ایجاد یک رابطه سازنده و مثبت با ترامپ شده است. با این حال لازم بذکر است که رابطه ترامپ - آبه در توئیتر، یک رابطه دیپلماتیک تقریباً یک طرفه بود، چرا که آبه تنها یک بار به در ۳۰ دسامبر ۲۰۱۹ و در زمان ترک ایالات متحده به ترامپ پاسخ داد. آبه به ندرت از توئیتر استفاده می‌کند و توئیتهای او به ترامپ تنها توئیتهای او بود که در طول مدت بررسی نگارش مقاله ارسال کرده بود. در اینجا به نظر می‌رسد که آبه تلاش آگاهانه‌ای برای ارتباط با ترامپ در توئیتر انجام داده است.

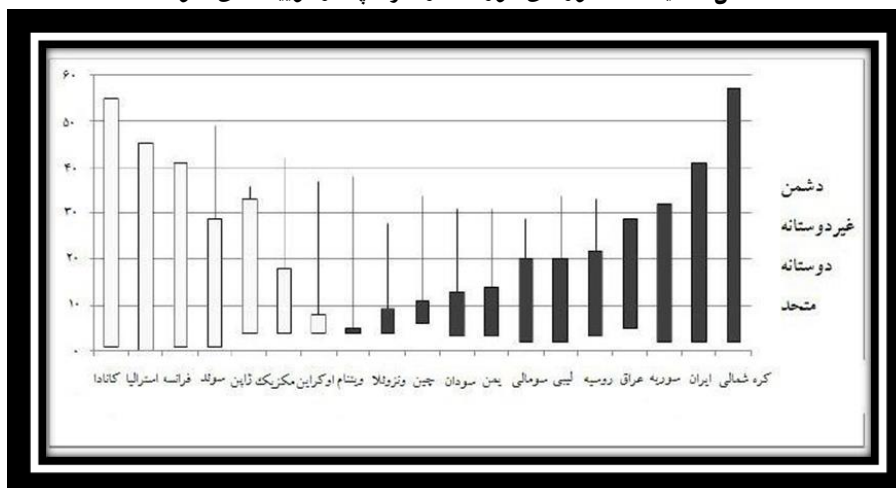
ترودو، ترنبول و پوتین با ترامپ در توئیتر به شیوه مشابهی ارتباط برقرار کردند. تنها رهبر خارجی که اصلاً با ترامپ در توئیتر تعامل نداشت، حتی با وجود اینکه در توئیتهای ترامپ به او اشاره شده بود، ژئی، رئیس‌جمهور چین، است که حساب کاربری توئیتر ندارد. در کل به نظر می‌رسد که ترامپ در ابتدای دوره ریاست جمهوری خود هیچ یک از مفاهیم سنتی ارتباط دیپلماتیک را در رسانه‌های اجتماعی زیر پا نگذاشته و هیچ قاعده جدیدی از قوانین دیپلماتیک در آن زمان ایجاد نشده است.

گفتگو با کشورها

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، ترامپ به ۱۹ کشور خارجی در اولین ماه ریاست جمهوری خود در توئیتر اشاره کرده است، ترکیبی متنوع از متحدان و دشمنان آمریکا. شکل ۲. لیست کشورهایی که ترامپ در توئیتهای خود به آنها اشاره کرده است.^۱

۱. در یک مقیاس «دشمن تا متحد» طبق تجزیه و تحلیل YouGov از کسانی که متحد، دوست، غیردوست و دشمن آمریکا محسوب می‌شوند، (اطلاعات از Yougov.com، 2017). هر میله درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی را نشان می‌دهد که یک کشور ذکر شده را با رنگ خاص در نظر می‌گیرند. میله‌ها تا ۱۰۰ درصد انباشته نمی‌شوند چرا که پاسخ «مطمئن نیستم» در شکل ارائه نشده است. نمودار باید اینگونه تفسیر شود: یک درصد آمریکایی‌ها کانادا را کشور دشمن می‌دانند؛ ۳ درصد آن را غیر دوست، ۳۲ درصد دوست و ۵۵ درصد آن را یک متحد می‌دانند.

شکل ۲. لیست کشورهای مورد اشاره ترامپ در توئیتهای خود



تحلیل تعاملات توئیتری بین ترامپ و نمایندگان دیپلماتیک کشورهایی که او در توئیتهایش به آنها اشاره کرده، چندین الگوی جالب را نشان می‌دهد. این تعاملات توئیتری را می‌توان به این صورت طبقه‌بندی کرد: دوستانه‌هایی که با هم گفتگو می‌کنند، دوستانه‌های تحریک‌شده‌ای که با هم گفتگو می‌کنند، دوستانه‌های تحریک‌شده‌ای که با هم گفتگو نمی‌کنند، غیردوستانه‌هایی که با هم گفتگو می‌کنند و غیردوستانه‌هایی که با هم گفتگو نمی‌کنند (Caliandro, Simunjak, & 2019: 15).

ژاپن، کانادا و اوکراین در دسته «دوستانه‌هایی که گفتگو می‌کنند» قرار دارند، چرا که نمایندگان دیپلماتیک آنها با ترامپ در توئیتر در ارتباط هستند و همه طرف‌های درگیر در مورد مسائل یکسان یا مشابه از یک دیدگاه مشترک گفتگو می‌کنند. مکزیک در دسته «دوستانه‌های تحریک‌شده‌ای که گفتگو می‌کنند» قرار می‌گیرد، چرا که نمایندگان دیپلماتیک آن به طور گسترده با ترامپ در توئیتر در مورد موضوعات مورد علاقه مشترک گفتگو می‌کنند، اما می‌توان مشاهده کرد که با ترامپ دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. مکزیک این گفتگو را با تبریک ریاست جمهوری ترامپ و صحبت از یک «گفتگوی محترمانه» آغاز کرد؛ اما پس از چندین توئیتهای طرف ترامپ که در آن به مکزیک حمله کرد، نمایندگان آن، موضع دورتری گرفتند و در رویارویی با او شرکت نکردند (Caliandro & Simunjak, 2019: 16).

کشورهایی مانند استرالیا، فرانسه، سوئد و ویتنام در دسته «دوستانه‌های تحریک‌شده‌ای که گفتگو نمی‌کنند» قرار دارند. ترامپ در مورد آن‌ها در توئیتز اظهارنظر منفی کرده (به عنوان مثال، سوئد و فرانسه کشورهای ناامن با مشکلات مهاجرتی هستند)، اما نمایندگان دیپلماتیک این کشورها در تکذیب یا هرگونه بحث در مورد مسئله مطرح شده در توئیت ترامپ شرکت نکرده‌اند.

روسیه، سوریه و ونزوئلا در دسته «غیردوستانه‌هایی که گفتگو می‌کنند» قرار دارند. به آنها توسط ترامپ با یک وجهه منفی اشاره شده است و نمایندگان دیپلماتیک آن‌ها با او در توئیتز تعامل داشته‌اند. با این حال، هر کشوری به شیوه متفاوتی ارتباط برقرار کرده است. روسیه این تعامل را با تبریک به ترامپ آغاز کرد اما به محض اینکه ترامپ شروع به ارسال پیام‌هایی درباره روسیه کرد که بیشتر دارای مفهوم ضمنی منفی بودند، از تعامل بیشتر خودداری کرد (Caliandro & Simunjak, 2019: 15). این ممکن است نشان‌دهنده تصمیم آن‌ها برای عدم انجام دیپلماسی توئیتز باشد. از سوی دیگر، ونزوئلا به دستور ترامپ برای آزاد کردن لئون پوله‌ولوپز^۱ به شدت واکنش نشان داد. دلسی رودریگز^۲، وزیر امور خارجه ونزوئلا، توئیت‌هایی ارسال کرد که به طور مستقیم ترامپ را هدف قرار داده بود و در آنها ترامپ را برای آنچه دخالت در امور ونزوئلا تلقی می‌کردند، مورد حمله قرار دادند. واضح است که ونزوئلا با این تعاملات توئیتز احساس راحتی می‌کرد و به عمد از توئیت‌ها بعنوان ابزار تبادل دیپلماتیک استفاده می‌کرد.

همچنین، سوریه با ارسال دو توئیت (یکی از آن‌ها به زبان عربی) گفتگو با ترامپ را آغاز کرده است که در آن «موافقت» بشار اسد، رئیس‌جمهور این کشور، با نظر ترامپ در مورد مبارزه با تروریسم را نقل می‌کند. سپس در طول «فروپاشی دادگاه»^۳، ترامپ توئیتی ارسال می‌کند که در آن سوریه را بعنوان کشوری یاد می‌کند که پناهجویان آن با وجود ممنوعیت سفر اعلام‌شده توسط او وارد ایالات متحده شده‌اند. سوریه با ارسال توئیتی به انگلیسی پاسخ داد که در آن به نظر می‌رسد تاکتیک‌هایش را تغییر داده است و از ترامپ «می‌خواهد از حمایت تروریست‌ها دست بردارد» و این معنا را منتقل می‌کند که رئیس‌جمهور ایالات متحده در کنار تروریست‌ها قرار دارد. در توئیت دیگری از حساب کاربری

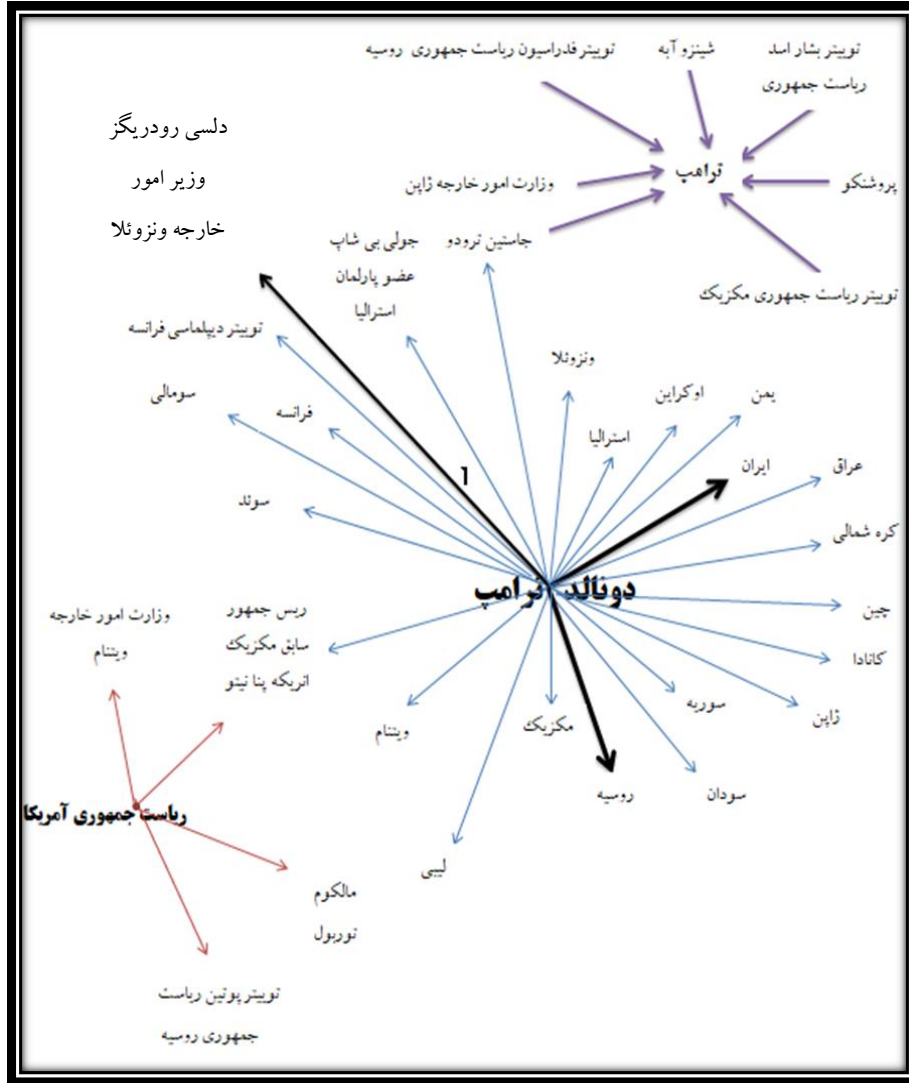
1. Leopoldo Lopez
2. Delcy Rodriguez
3. Court Breakdown

ریاست جمهوری سوریه، به نقل از اسد و به زبان عربی گفته شده که این ممنوعیت «نه مردم سوریه، بلکه تروریست‌ها را هدف قرار می‌دهد» (Twiplomacy, 2018). به نظر می‌رسد که این توییت برای پشتیبانی از پیام دیپلماتیک سوریه در مورد تمایز بین سوری‌ها و تروریست‌ها ارسال شده است. با توجه به اینکه در این پیام‌ها هرگز به ترامپ با استفاده از تابع @ اشاره نشده و برخی از توییت‌ها به زبان عربی هستند، مشخص نیست که آیا سوریه واقعا می‌خواست با ترامپ ارتباط برقرار کند یا خیر، اما واقعیت این است که در مبادلات دیپلماتیک با او ارتباط برقرار کرده و به نظر می‌رسد که این کار را با اجتناب از منازعه انجام داده است، اگرچه از پیام‌های تحریک‌آمیزی در مراحل بعدی تعامل استفاده می‌کند. شکل ۳. تحلیل شبکه‌ای توییت‌های ارسال شده توسط ترامپ که در آن‌ها به یک کشور دیگر اشاره می‌کند و توییت‌های ارسال شده توسط نهادهای دیپلماتیک کشورهایی که او به آن‌ها اشاره کرده است.^۱

ایران، سومالی، سودان، لیبی، عراق، یمن، کره شمالی و چین در دسته «غیردوستانه‌هایی که گفتگو نمی‌کنند» قرار دارند. به جز چین، دیپلمات‌های این کشورها حتی با وجود اینکه او به شکل منفی به آن‌ها اشاره کرده، تعاملی برقرار نکرده‌اند. نمایندگان دیپلماتیک چین، یمن، عراق و کره شمالی حساب رسمی توییت نداشتند. نمایندگان دیپلماتیک ایران، سومالی، سودان و لیبی حساب‌های توییت داشتند اما در توییت با ترامپ تعاملی برقرار نکردند.

۱. توجه: اندازه‌گره‌ها نشانگر تعداد اشارات دریافتی است (گره بزرگتر، تعداد اشارات دریافتی بیشتر). فلش‌ها نشان‌دهنده جهت رابطه هستند. ضخامت خطوط نشان‌دهنده تناوب تعامل بین گره‌هایی می‌باشد که آن‌ها را به هم متصل می‌کنند (هرچه خطی که دو گره را متصل می‌کند ضخیم‌تر باشد، تعداد تعاملات بین آن‌ها بیشتر است).

شکل ۳.

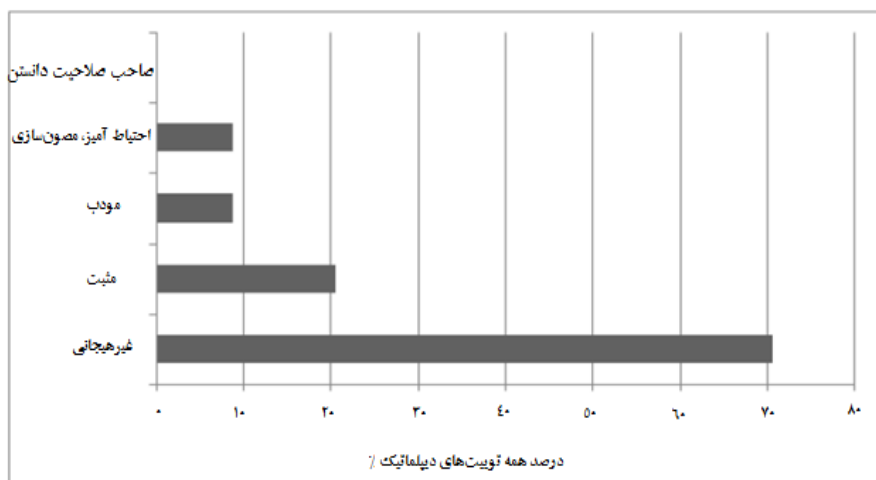


تحلیل زبان دیپلماتیک ترامپ در توئیتر

یک تحلیل محتوای ساده انجام شد تا میزان همخوانی زبان ترامپ در توئیتهایش با قواعد سنتی زبان دیپلماتیک اندازه‌گیری شود. این تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که زبان

ترامپ در توییت‌ها اغلب ویژگی‌های زبان دیپلماتیک را نشان نمی‌دهد. با این حال کاملاً متعادل است، به این معنا که معمولاً غیرهیجانی است. به طور خلاصه این سبک ارتباطی می‌تواند بعنوان یک اخلال در دیپلماسی سنتی دیده شود، چرا که با قواعد تثبیت شده آن همخوانی ندارد (سلیمی و وهاب‌پور، ۱۳۹۷: ۷۹).

شکل ۴- تجزیه و تحلیل زبان مورد استفاده در توییت‌های دیپلماتیک دونالد ترامپ



ترامپ گرایش به استفاده از زبان مودبانه با رهبران کشورهای متحد آمریکا دارد. او در توییتی به ترنبول می‌نویسد «متشکرم» و برای ترودو و نتانیاهو می‌نویسد «خوش آمدید». هیچ استفاده مشابهی از عبارات احترام در توییت‌هایی که در آن‌ها به کشورهای خارجی چه کشورهای دوست و چه غیردوست اشاره شده، وجود ندارد. به نظر می‌رسد که زبان مثبت و سازنده هم صرفاً به رهبران کشورهای متحد اختصاص دارد. برای مثال هنگام نوشتن در مورد ترنبول، ترامپ از کلماتی مانند «متمدن» و «خوشایند» استفاده می‌کند و با قید «بسیار» که اغلب از آن استفاده می‌کند، بر آن‌ها تاکید می‌کند. به طور مشابه در مورد شینزو آبه، ترامپ از کلماتی مانند «عالی»، «خوب» و «سازنده» استفاده می‌کند و دوباره بر آن‌ها با قیدهایی مانند بسیار و عالی، تاکید می‌کند (Tswiplomacy, 2018).

بعز اشاره به ژاپن به عنوان «بسیار خوب نشان داده شده (نمایندگی شده)»، ترامپ از زبان مثبت و سازنده در توییت‌های خود در مورد هیچ کشور دیگری چه دوست و چه

غیردوست استفاده نمی‌کند. زبان منفی به طوره ویژه در توییت‌های او در مورد ایران و مکزیک بکار می‌رود. توییت‌های ترامپ در مورد ایران خصوصیات منفی مثل «ترور»، «وحشتناک»، «فروپاشی» و «پایان دوران» را منتقل می‌کند و ترامپ با نوشتن عباراتی چون «رسماً هشدار می‌دهم» و «باید سپاسگزار باشند» و ایالات متحده به ایران یک «طناب نجات می‌دهد»، آمریکا را در موضع برتر از ایران قرار می‌دهد. چنین واژگانی چون «باید» و «دادن» و همچنین ساختارهای جمله‌ای که مورد استفاده قرار گرفته، نشان می‌دهد که ترامپ به خودش قدرت قضاوت در مورد سایر کشورها را داده است که به راحتی می‌تواند موجب رنجش در روابط بین‌المللی شود. به طور مشابه به سایر کشورهای خاورمیانه با عباراتی چون «پناهندگان» و «فروپاشی» اشاره کرده و آن‌ها را هم به شکل منفی به تصویر کشیده است (Gabler, 2016).

مکزیک که یک کشور دوست است به طور مشابه با شکل منفی و غیرسازنده به تصویر کشیده شده است. ترامپ در مورد این کشور با استفاده از کلماتی مانند «کسری»، «یکجانبه»، «شکست‌خورده»، «بی‌میل»، «کمک ناچیز» و «بسیار ضعیف» توییت ارسال کرده و اشاره کرده که مکزیک از ایالات متحده «سوء استفاده» می‌کند. با توجه به معانی منفی کلمات مورد استفاده ترامپ، زبان او به ایجاد رابطه مثبت و سازنده بین دو کشور کمک نمی‌کند. در کمال تعجب، ترامپ در مورد سایر کشورهای دوست هم چنین پیام‌هایی ارسال کرده است. برای مثال او از کلماتی مانند «غیرقانونی» و «احمق» هنگام اشاره به استرالیا استفاده کرده است؛ از کلماتی نظیر «تروریست»، «مورد حمله قرار گرفته»، «محبوس شده» و «در اضطراب و ناآرامی»، در هنگام نوشتن در مورد فرانسه استفاده کرده و با قید «دوباره» بر آن‌ها تاکید کرده است (Simunjak, 2019: 18 & Caliendo).

به طور مشابه، در توییت خود در مورد مهاجرت در سوئد، از عبارت «نتایج خوبی به همراه داشته، نخیر اینطور نبوده!» استفاده کرده است. با استفاده از این واژه‌ها و ساختار جمله، ترامپ اشاره کرده که این کشورها دارای مشکلات ماندگاری بوده و ناامن هستند و خودش را در جایگاهی قرار داده که می‌تواند کشورها و سیاست‌های آن‌ها را مورد قضاوت قرار دهد که با زبان مثبت و سازنده مرسوم در تعاملات دیپلماتیک مطابقت ندارد. در نهایت، مورد روسیه جالب است، چرا که ترامپ به کرات به این کشور اشاره

کرده است، اما به ندرت درباره خود کشور می‌نویسد و بیشتر در مورد روابط خود با روسیه صحبت می‌کند. با این حال، روسیه هنوز هم می‌تواند بعنوان کشوری که به صورت منفی به تصویر کشیده شده، در نظر گرفته شود چون توییت‌های ترامپ در مورد روسیه اغلب حاوی کلمات دارای مفاهیم منفی، مانند «مهمل»، «به طور غیر قانونی»، «سرپوش گذاشتن» و «ساختگی» هستند (Caliandro & Simunjak, 2019: 21).

در حالی که تحلیل محتوا نشان می‌دهد زبان ترامپ در توییت‌ها اغلب متعادل است، او هنوز هم می‌تواند به عنوان فردی که از زبان احساسی و هیجانی در تقریباً یک سوم از توییت‌های خود استفاده می‌کند، دیده شود. اغلب این امر از طریق استفاده از حروف بزرگ مشاهده می‌شود که بعنوان نمایش گرافیکی از فریاد زدن دیده می‌شوند. برای مثال ترامپ نوشته که کریمه «توسط روسیه تصرف شده»، بر کلمه «تصرف» که دلالت بر تصاحب عمدی و خصمانه دارد، تاکید شده است. به طور مشابه از این لحن در هنگام ارسال پیام در مورد رابطه آمریکا با مکزیک می‌نویسد هم استفاده شده است: «باید تغییر کند، همین حالا!». توییت‌های او درباره کشورهای خاورمیانه، فرانسه و سوئد، لحن مشابهی داشتند. این باعث دوری از زبان ملایم و متعادلی می‌شود که معمولاً در تبادلات دیپلماتیک و بخصوص در تبادلاتی که بین کشورهای دوست وجود دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نهایت، ترامپ گرایش به استفاده از زبان مبهم که یکی از مشخصه‌های ارتباط دیپلماتیک است، ندارد. زبان او تمایلی به استفاده از کلمات توصیفی که امکان انعطاف‌پذیری در معنای جمله را فراهم می‌کنند ندارد، چرا که اغلب در اظهارات خود مستقیم و صریح است. به عنوان مثال در مورد کشورهای خاورمیانه، ترامپ اعلام کرده که ۷۲ درصد از پناهندگانی که در طول «فروپاشی دادگاه» مجاز به ورود به ایالات متحده (۳/۲-۱۱/۲) شده‌اند از ۷ کشور بوده‌اند و جای زیادی برای تفسیر باقی نگذاشته است، در عین حال در صورتی که این اطلاعات درست نباشد، شرایط را برای انتقاد فراهم کرده است. به طور مشابه، او با قدرت اعلام کرده که «کریمه توسط روسیه تصرف شده است»، جمله‌ای بدون ابهام در مورد برداشت او از نقش روسیه در مناقشه اوکراین. او

به همین ترتیب مستقیماً اعلام کرد: «من پوتین را نمی‌شناسم»؛ اما پس از آن پوتین توییتی ارسال کرد و گفت که با ترامپ صحبت کرده و به او با تاجع @ اشاره کرد. از این رو در حالی که ترامپ به روشنی بیان می‌کند که پوتین را نمی‌شناسد، پوتین می‌گوید که این دو با هم صحبت کرده‌اند. این موضوع فضا را برای به چالش کشیدن گفته ترامپ مبنی بر عدم آشنایی با پوتین فراهم کرده و صداقت او را زیر سوال می‌برد.

نتیجه‌گیری

تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که روش‌های مورد استفاده ترامپ در توئیتر را می‌توان کاملاً مختل‌کننده ارتباطات دیپلماتیک سنتی در نظر گرفت. زبان او با قوانین و قراردادهای زبان دیپلماتیک همخوانی ندارد. در حالی که قوانین و قراردادهای زبان دیپلماتیک نیازمند زبانی مودب، سازنده و مثبت، ملایم و مبهم است. زبان ترامپ در توئیتر مودبانه، سازنده و مثبت و مبهم نیست، اگرچه اغلب غیرهیجانی است. سبک ارتباطی او در توئیتر به عنوان رئیس جمهور، نسبتاً شبیه به سبک ارتباطی او در طول انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ است که به داشتن ویژگی‌هایی چون منفی‌نگری، بزرگ‌نمایی و تصمیم‌گیری لحظه‌ای ادامه می‌دهد که هیچیک از آن‌ها ویژگی‌های مناسبی برای زبان دیپلماتیک نیستند. با توجه به اینکه این نوع زبان برای توئیتر بسیار مناسب است، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا توئیتر بستر مناسبی برای انجام دیپلماسی است؟ یا اینکه آیا شیوه‌ها و قوانین دیپلماتیک باید برای سازگاری با محیط دیجیتالی که امروزه دیپلماسی در آن انجام می‌شود، تطبیق داده شوند؟

در حالی که ترامپ در مورد تعدادی از کشورهای دوست و غیردوست نظرات منفی را در توئیتر ارسال کرده، تنها نهاد دیپلماتیک که به شیوه‌ای مشابه واکنش نشان داده، ونزوئلا بوده است. هم کشورهای دوست و هم غیردوستی که توسط ترامپ مورد انتقاد قرار گرفته‌اند و تصمیم گرفتند با او در توئیتر ارتباط برقرار کنند، در محدوده قوانین و قواعد دیپلماتیک باقی ماندند. آن‌ها از زبان بی‌ادبانه، منفی و غیرسازنده استفاده نکردند و تا حدودی مبهم و دو پهلو پاسخ دادند. این مساله با نحوه‌ای که همتایان دیپلماتیک در برخی موارد در گذشته که دیپلمات‌های آمریکایی از هنجارهای دیپلماتیک سرپیچی می‌کردند، همخوانی دارد. برای مثال در دوره زمانی قبل از جنگ عراق، وایزمن اعلام

می‌کند «حتی کشورهایی که از حمله به عراق حمایت می‌کردند (برای مثال بریتانیا، اروپای شرقی) در سخنرانی‌هایشان، در مقایسه با آمریکا احترام بیشتری برای نزاکت دیپلماتیک از خود نشان می‌دادند». در اینجا رفتار دیپلمات‌های ایالات متحده که از نظر بسیاری محل روابط دیپلماتیک تلقی می‌شود، در سراسر جهان منعکس نشد و دیپلمات‌های ایالات متحده کمی بعد به قوانین سنتی رفتار دیپلماتیک برگشتند. تحلیل ما نشان می‌دهد که هم‌تایان دیپلماتیک در سراسر جهان ممکن است بار دیگر در مقابل ضعیف شدن پایه‌های هنجاری ارتباطات دیپلماتیک موضع بگیرند، اگرچه تحقیقات بیشتری برای تایید این یافته اولیه و مقدماتی مورد نیاز است. با این حال آنچه واضح می‌باشد این است که با توجه به سازگاری که دیپلمات‌ها در پیروی از قواعد دیپلماتیک سنتی دارند، شواهد بسیار اندکی مبنی بر اینکه قواعد جدیدی برای ارتباطات دیپلماتیک در حال ساخت هستند، وجود دارد.

میزان تعامل دیپلمات‌ها و سرویس‌های دیپلماتیک کشورهایی که ترامپ در توییت‌های خود به آن‌ها اشاره کرده تا حد زیادی متفاوت بود. برخی از آن‌ها به طور فعال با ترامپ ارتباط برقرار کردند. شاید تعجب‌آور نباشد که دیپلمات‌ها و سرویس‌هایی که در تعامل با ترامپ در توییت فعال بودند، آن‌هایی بودند که معمولاً در توییت بسیار فعال هستند، مانند دیپلمات‌ها و سرویس‌های مکزیک و ونزوئلا. از این رو، به نظر می‌رسد دیپلمات‌ها و سرویس‌های دیپلماتیکی که در استفاده از توییت راحت هستند و از آن به صورت استراتژیک و هدفمند استفاده کرده‌اند، در تبادلات دیپلماتیک توییتی تردید نمی‌کنند، حتی اگر به حمله‌ای توسط یک رهبر جهانی پاسخ می‌دهند.

با این حال، مهم است توجه شود که اکثر دیپلمات‌ها و سرویس‌های دیپلماتیک کشورهایی که ترامپ به آن‌ها اشاره کرده با او در توییت ارتباط برقرار نکرده‌اند. کشورهای دوست مانند استرالیا، سوئد و فرانسه هیچ پاسخی به حملات ترامپ در توییت نداده‌اند. آن‌ها یا از تعامل در مورد مسائل دیپلماتیک در توییت امتناع کرده‌اند، یا تصمیم گرفته‌اند تا به آنچه که می‌تواند یک تحریک غیرمعمول از طرف رهبر یک دولت متحد در نظر گرفته شود، واکنش نشان ندهند. با توجه به اینکه عدم پاسخ در دیپلماسی بین‌المللی، عمدی و استراتژیک در نظر گرفته می‌شود؛ این کشورها ممکن است این پیام را ارسال کنند که نوشته‌های ترامپ بی‌ربط هستند و ارزش واکنش آن‌ها را ندارند یا

شاید آن‌ها می‌خواهند این پیام را ارسال کنند که گفتگوی دیپلماتیک نباید در توئیتر انجام شود. در هر دو حالت، ترامپ بجز مکزیکی که پیش از این نیز برای اهداف سیاسی به طور پیوسته و گسترده از توئیتر استفاده می‌کرد، نتوانست طرف صحبتی از بین دیپلمات‌های کشورهای دوست پیدا کند. به طور کلی ارتباط دیپلماتیک ترامپ در توئیتر بسیار منحصر به فرد به نظر می‌رسد و به این معنا، او می‌تواند به عنوان یک انزواطلب دیده شود در حالی که سایر دیپلمات‌ها و سرویس‌های دیپلماتیک در سراسر جهان به نظر می‌رسد از قواعد سنتی ارتباطات دیپلماتیک پیروی می‌کنند. در نتیجه بر اساس نمونه مورد بررسی در این تحقیق، حداقل هیچ مدرکی دال بر ایجاد قوانین جدید برای ارتباطات دیپلماتیک در رسانه‌های اجتماعی وجود ندارد.

اگرچه بر اساس یک مجموعه داده بزرگ (۱۱۹,۲۲۹ توئیت)، این مقاله محدودیت تمرکز داشتن بر یک زیرمجموعه کوچک از داده‌ها را دارد (۹۱ توئیت)؛ بنابراین نتایج آن بجای قطعی و قابل‌تعمیم، باید مقدماتی و آزمایشی در نظر گرفته شود. با این وجود نمونه کوچک برای تحقیق کیفی اکتشافی در یک موضوع کاملاً جدید و کمتر مورد مطالعه قرار گرفته، به اندازه کافی بزرگ تلقی می‌شود. ما معتقدیم که با گردآوری مجموعه‌ای از مفاهیم و پایه‌ریزی مجموعه‌ای از رویه‌های روش‌شناختی نظام‌مند و قابل تکرار که می‌توانند برای تحقیقات بیشتر در مورد دیپلماسی توئیتری مفید باشند، دستاوردهایی داشته‌ایم. با توجه به مورد خاص ترامپ، دو نوع تحقیق کلان‌داده مد نظر قرار داده که می‌توانند در آینده توسعه یابند: یک تحقیق کلان‌داده طولی و یک تحقیق کلان‌داده مقطع عرضی. تحقیق کلان‌داده طولی می‌تواند توئیتهای ترامپ را در یک دوره طولانی‌تر در نظر بگیرد؛ این می‌تواند برای تایید (رد) یافته‌های ما در مورد استراتژی‌های دیپلماتیک ترامپ در توئیتر مفید باشد. تحقیق کلان‌داده مقطع عرضی می‌تواند شامل یک مقایسه بین ترامپ و سران دیگر دولت‌ها باشد تا با قابلیت اطمینان بیشتری مشاهده شود که تا چه حد ارتباطات ترامپ در توئیتر از ارتباطات دیگر رهبران جهان منحرف می‌شود و اینکه آیا ممکن است یک دستورالعمل دیپلماتیک جدید برای ارتباطات دیپلماتیک در رسانه‌های اجتماعی در حال توسعه باشد یا خیر. در نهایت به منظور درک کامل اینکه چرا نهادهای دیپلماتیک به شیوه‌های خاصی در توئیتر تعامل برقرار می‌کنند، محققان باید موضوع دیپلماسی توئیتری را از دیدگاه دیپلمات‌ها مورد

توجه قرار دهند، مهم است که دیدگاه‌های آن‌ها در رابطه با قوانین مناسب برای ارتباط دیپلماتیک در رسانه‌های اجتماعی درک شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Arsalan Ghorbani Sheikhneshin: <https://orcid.org/0000-0002-4005-1684>

Mehrdad Fallah: <https://orcid.org/0000-0002-7675-893X>

منابع

- کاستلز، مانوئل، (۱۳۹۸)، *قدرت ارتباطات*، ترجمه حسین بصیریان جهرمی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سلیمی، حسین و پیمان وهاب‌پور، (۱۳۹۷)، «توثیلماسی؛ بازنمایی سیاست خارجی ایران در توثیتر»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال چهارم، شماره ۱۴.
- سعیدی، روح‌الامین، (۱۳۹۶)، «چرایی ظهور دیپلماسی نوین در بستر متحول نظام جهانی»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، سال دهم، شماره ۳۷.
- سیمبر، رضا، ارسلان قربانی شیخ‌نشین، (۱۳۸۸)، «دیپلماسی نوین در روابط خارجی رویکردها و ابزارهای متغیر»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال اول، شماره ۴.
- عاملی، حامد، خرازی آذر، رها و افسانه مظفری، (۱۳۹۶)، «نقش تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای در دیپلماسی رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، سال ششم، شماره ۲۲.
- هادیان، ناصر و روح‌الامین سعیدی، (۱۳۹۲)، «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردی هابرماسی»، *راهبرد*، سال بیست و دوم، پاییز، شماره ۶۸.
- وحیدی، موسی‌الرضا، (۱۳۹۷)، «زبان دیپلماتیک: ابزار مهم دیپلماسی عمومی جدید»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۳، شماره ۲.

References

- Ahmadian, S., Azarshahi, S., and D. L. Paulhus, (2017), "Explaining Donald Trump via Communication Style: Grandiosity, Informality, and Dynamism", *Personality and Individual Differences*, Vol. 107.
- Apps, P, (2016), "Commentary: Trump's Brave New World of Twitter Diplomacy", Reuters, December 5, n.p. from [www. reuters. com/ article/us-apps twittercommentary-idUSKBN13U2VX](http://www.reuters.com/article/us-apps-twittercommentary-idUSKBN13U2VX).
- Baker-Jordan, S, (2017), "None of the US Papers Put Theresa May's Visit to the White House on their Front Page, It's time to Face Our Insignificance", from- [http:// www. independent. co. uk/ voices/ theresa-may-trumpvisit-newspapers-american-press-insignificance-a7550686](http://www.independent.co.uk/voices/theresa-may-trumpvisit-newspapers-american-press-insignificance-a7550686).
- Bjola, C., and M. Holmes, (2015), *Digital Diplomacy: Theory and Practice*, Oxford, UK: Routledge.
- Caliandro, A., and A. Gandini, (2017), *Qualitative Research in Digital Environments: A Research Toolkit*, London: Routledge.
- Caliandro, A., and A. Simunjak, (2019), "Twiplomacy in the age of Donald Trump: Is the diplomatic code changing?", *The Information Society*, Published: <https://doi.org/10.1080/01972243.2018.1542646>.
- Cassidy, J., and I. Manor, (2016), "Crafting Strategic MFA Communication Policies During Times of Political Crisis: A Note to MFA Policy Makers", *Global Affairs*, Vol. 2.
- Crockett, Z, (2016), "What I learned analyzing 7 months of Donald Trump's Tweets", *Vox.com*, from [https:// www. vox. com/ 2016/ 5/16/ 11603854/donald-trump-twitter](https://www.vox.com/2016/5/16/11603854/donald-trump-twitter).
- Crowley, M., McCaskill, N., and L. Nelson, (2017), "Trump Picks Up the Phone, Sets Off Diplomatic Chaos", from [http:// www. politico. com/story/2017/02/trump-foreign-policy-rhetoric-iran-australia-mexico-234531](http://www.politico.com/story/2017/02/trump-foreign-policy-rhetoric-iran-australia-mexico-234531).
- Dejevsky, M, (2017), "In defence of Donald Trump's Twitter Diplomacy", from [https:// www. theguardian. com/ commentisfree /2017/ feb/ 05/ in? defence? of? Twitter? Diplomcy](https://www.theguardian.com/commentisfree/2017/feb/05/in?defence?of?Twitter?Diplomcy).

- Enli, G, (2017), “Twitter as Arena for the Authentic Outsider: Exploring the Social Media Campaigns of Trump and Clinton in the 2016 US Presidential Election”, *European Journal of Communication*, Vol. 32.
- Freedman, R.O, (2017), “The Obama Legacy in the Middle East and the Trump Challenge”, *India Quarterly*, Vol. 73.
- Gabler, N. (2016). “*Donald Trump, the emperor of social media*”, from: <https://www.commondreams.org/views/2016/04/30/donald-trump-emperor-social-media>.
- Hocking, B., and J. Melissen, (2015), *Diplomacy in the Digital Age, Clingendael*, The Netherlands: Institute of International Relations.
- Huang, K, (2017), “State Media Criticism of Trump’s “Addiction to Twitter Diplomacy” Signals China’s Frustration”, *South China Morning Post*, January 4.
- Jönsson, C., and M. Hall, (2005), *Essence of Diplomacy*, Basingstoke, UK: Palgrave Macmillan.
- Lee, J., and Y. Lim, (2016), “Gendered Campaign Tweets: The Cases of Hillary Clinton and Donald Trump”, *Public Relations Review*, Vol. 42.
- Lewis, S.C., Zamith R, and A. Hermida, (2013), “Content Analysis in an Era of Big Data: A Hybrid Approach to Computational and Manual Methods”, *Journal of Broadcasting & Electronic Media*, Vol. 57.
- Lüfkens, M, (2017), “Twiplomacy Study 2017”, from <http://twiplomacy.com/blog/twiplomacy-study-2017/>.
- Nakamura, D., and A. Fifield, (2017), “Trump Targeted Japan During the Campaign, Now Its Prime Minister is Embracing the New President”, *Washington Post*, February 9.
- Ott, B. L, (2017), “The Age of Twitter: Donald J. Trump and the Politics of Debasement”, *Critical Studies in Media Communication*, Vol. 34.

- Sharp, P, (2001), *Talking to Americans: Problems of Language and Diplomacy*, In *Language and Diplomacy*, Eds, Malta: University of Malta.
- Stein, J. (Ed.). (2011), *Diplomacy in the Digital Age*, Toronto: McClelland & Stewart.
- Tremonti, A. M, (2016), “Diplomacy in the Trump Era Poses Challenges for World Leaders”, from [http:// www. cbc. ca/ radio/thecurrent/thecurrent-for37.november-18-2016-1.3855509/ diplomacy- in- the- trump- era- poses- challenge- to- worldleaders- 1.3855645](http://www.cbc.ca/radio/thecurrent/thecurrent-for37.november-18-2016-1.3855509/diplomacy-in-the-trump-era-poses-challenge-to-worldleaders-1.3855645).
- Twiplomacy Study, (2018), Published at: [https:// twiplomacy. com/ blog/twiplomacy-study-2018/](https://twiplomacy.com/blog/twiplomacy-study-2018/).
- Wiseman, G, (2005), “Pax Americana: Bumping Into Diplomatic Culture”, *International Studies Perspectives*, Vol .6.
- Wong, S. S, (2016), “Emotions and the Communication of Intentions in Face-to-face Diplomacy”, *European Journal of International Relations*, Vol. 22.

استناد به این مقاله: قربانی، ارسلان، منوری، سید علی، کریمی، غلامرضا، فلاح، مهرداد، (۱۴۰۰)، «تئودیلماسی؛ نقش توئیتر در پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای ترامپ»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۴۴-۷۳.

doi: 10.22054/qps.2021.51360.2502